



شماره فوق العاده  
بمنا سبت شصت و دومین  
سال لگو د استر داد  
استقلال کشور  
۱۴۹۰  
سال نامشروع ۳۵۹

فرخنده باد شصت و دومین سالروز استرداد استقلال کشور



# نقش پیکار جویان قبایل در کسب استقلال سیاسی کشور

پیک نگاه به نقشه افغانستان نشان میدهد که در پلا فامهله بطول هشت صد میل از چترال تا بحر هند در دو طرف سرحد، آزاد و مردان پشتون و بلوچ زندگی داشته که با داشتن خصلت مشترک، فرهنگ و کلتور مشترک، تاریخ مشترک و احساسات مشترک تاریخی را به میراث گذاشته اند. مردمان این سرزمین ها که تا قبل از سالهای ۱۸۱۰ - ۱۸۲۲ سکه های پنجاب بر آنها حکایت نیافته و متعاقب آن در پهنه های خود نبیند، استعمارگران چپاولگر، انگریزی اسپر نه مانده بودند در پیوند با تمام اقوام و ملیت های ساکن افغانستان سرزمین واحدی داشته و تاریخ آریانی کهن، خراسان و افغانستان موجوده را نمی توان بدون درج حماسه های تاریخی آنها تکمیل دانست. چنانچه با پختن زمستان و کوشا نیان در تاکسیلا و پشاور موجوده تا هنوز در خاطره های تاریخ مانده است، نام مشاهیر سیاسی چون میرویس، هوتکی، دریاخان، ایلخان و پیر - روشان و مانند آنها نیز نمی توان به این طرف و یا آن طرف سرحد محدود ساخت. گنجینه های ادبی را که شعرا و نویسندگان چون رحمن بابا، خوشحال خٔن، حمید ماشوخیل، میرزا خان

انصاری، پیر محمد کاکر، شمس الدین کاکر را حست زاخیلی، ماستر عبد الکریم، ملک داد محمد بلوچ، مولانا عبد الحی بلوچ، ماناج بانو، مولانا عبد الکریم مینگل، عبد الحمید جیتوی، عبدالکریم شورش، اشرف هجری و دهها چهره دیگر ادبی به عرصه ادبیات پشتون و بلوچی افزوده اند هرگز منحصر به یک طرف نبوده و هم اکنون در تمام افغانستان دست گشته و در روشنی انقلاب نور برای نخستین بار دیوان رباعیات خوشحال خان خٔن بر حسب تقاضای مردم ما به زبانهای دری، ازبکی و ترکمنی ترجمه و بچاپ رسید. رنجی را که مردم افغانستان در این طرف مرز در زیر حلقه های سنگین زنجیر استعمار بر تانوی تحمل میکردند در آنطرف مرز نیز بیدادگریهای استعمار بر تانوی غیر قابل تحمل بود ولی احساس مشترک مبارزه ملی بر ضد استعمار و امپریالیزم را نمی شد با زور سر نیزه خاموش ساخت، روی همین دلیل بود که مردمان سلحشور و آزادی خواه در قبایل سرحدی اعم از پشتون و بلوچ نه تنها در قیامهای اول و دوم بلکه در قیام استقلال افغانستان همروش با همه اقوام و ملیت های ساکن کشور ما در سنگربیکار عادلانه بر ضد استعمارگران انگلیس قرار گرفتند. اقوام

سرحدی چون افردی، یوسفزی، خٔن، موهند وزیر، مسعود، داوود، تنی، انما تخیل غلجی، صافنی، بنگش، شینواری، اشکزی، کاکر و قبایل گوجانی، بوغنی و مزاری بلوچ و دهاقوم و قبیله دیگر که از ذکر نامهای همه شان برای اختصار مطلب جلوگیری شد، با اعلان استقلال سیاسی افغانستان همه یکصدا با قدرت های وسیع انسانی در کنار جنگاوران دلیر وطن ما قرار گرفتند شرایط آنها به مراتب دشوار تر از ما بود بخاطر آنکه در آن فرصت نه تنها در میان آنها پیکار چکی و مرکزیت واحدی وجود نداشت و انگلیسها آنها را بجان هم انداخته بودند بلکه قویترین قوت های انگلیس نیز در همین مناطق بزرگتر یعنی قلعه های نظامی و مستحکمترین استحکامات جنگی را ایجاد نموده بودند. ولی احساس ملی خلق پشتون و بلوچ را نمی شد درین قلعه ها زندانی ساخت و همانگونه که در دوران کشور ما استعمارگران انگلیسی روزی به خوشی نگذشتند در مناطق آنسوی سرحد نیز از سالهای ۱۹۴۶ - ۱۹۱۹، شخصت و یک جنگ بزرگ بین مبارزین ملی و استعمارچیان انگلیسی بوقوع پیوست و انگلیسها در این جنگها بر علاوه بر دستنلفیات

سنگین انسانی بیش از چهار میلیارد دلار را برای در دست داشتن این مناطق بمصرف رساندند. در جریان آمادگی خلعهای ما بخاطر مقاومت در برابر استعمار لجام گسیخته انگلیس در ماه می سال ۱۹۱۹ در آن طرف سرحد نیز قوت های ملی روز تا روزی بهیچ هرجه بیشتر نیروهای داوطلب برداخته و در طی یک دوران کوتاهی آنها در اطراف جبهه کل ووا نا مقده هزار مسعود هفت هزار وزیر، دوازده هزار ورکزی و هزاران نفر افردی، خیبری و توری تجمع یافته و با سلاح های دستی خود در سنگر مبارزه قرار گرفتند و قلعه جنگی سروکی برای نخستین بار مورد حمله مردمان مسعود قرار گرفته و هفتاد و پنج شتر انگلیس ها را به غنیمت بردند. درین جریان قبایل تنی خطوط تلگرافی انگلیس ها را قطع نموده و دسته های چریکی آنها دو صد و بیست شتر غله دار دشمن را بدست آوردند. در محاصره گرفتن قلعه مستحکم و انانیز توسط اقوام مسعود صورت گرفت در جبهه وزیرستان بیست و سه هزار وزیر و مسعود سر تا سر جبهه را به آتش داغ میدل انگلیس خطوط مواصلاتی و راههای ارتباطی قبیلن انگلیس ضربه های مبرکباری بر آنها وارد

کردند. پیوستن ملیشه های قلعه میرا مشاه به مبارزین ملی انگلیسهای مفرور را سراسیمه ساخت و مجبور شد نه همه تشکیلات ملیشه ای را منحل و بجای آن قوت های انگلیسی را جاگزین سازند این امر به پراگندگی و ضعف قوای انگلیس انجامید. شهر پشاور نیز از مدت ها پیش به مرکز احساسات ملی ضد انگلیسی تبدیل گشته و در طی ماه می دو ریک کیمته سی و دو نفری از مبارزین ملی نهصد نفر تشکیل یافته و به تحریر هر چه بیشتر احساسات ملی پرداخته تا آنکه شهر را عملاً بدست آوردند ولی استعمارچیان چپاولگر با آتش قوت های پیاده و توپخانه خود شهر را زیر ضربات سنگین قرار داده و با بستن آب شهر را مجبور به تسلیم ساختند. اما دیگر ستاره اقبال چپاولگران «متمدن» فرو افتاده بود و برای سومین بار شکست ننگین خود را تحمل میشدند آنها که آبروی جهانی خود را در زیر ضربات مرگبار نیروهای آزاد پخواه افغان از دست داده و زوال امپراطوری استعماریش را احساس می کردند سخت در هراس افتیده بودند که چنان خود را از مناطق سرحدی که در آن خشمگینان مردم در وجود یک قیام ملی سر تا سر برانگیخته شده بود به

هند بر تانوی برسانند، برای آنها دیگر ادا مه جنگ بسا افغانستان مطرح نبود چنانچه بودند با هر قید و شرطی استقلال کشور ما را برسمیت بشناسند ولی آنچه برایشان اهمیت داشت یا فتن جای پای بود در مناطق آنطرف سرحد تا برای حفظ منافع خود در هندوستان و ادا مه توطنه گری های بعدی در افغانستان زمینه های مساعدی در اختیار داشته باشند، گرچه بعد از اعلان استقلال افغانستان جنگ ها و حملات بر قشون انگلیس در آنسوی مرز پایش و بلوچستان تا سال ۱۹۲۱، ضربات سنگین و خورد کننده بر نیروهای مهاجم انگلیس وارد گردید، و در دیر و جات و بنو نیز انگلیسها روز آرمی نداشتند و حملات منظم و غیر منظم پشوتوها و بلوچها بر قوای انگلیس تا سالهای ۱۹۲۷ با همه شدت آن ادا مه یافت همچنان در طی این دوران ده بار جنگ های بزرگی بین قشون انگلیس و مردم ما در منطقه بوقوع پیوست اما قبول یکجانبه شرایط به رسمیت شناخته استقلال افغانستان چیزیکه در آن انگلیسها شکست خورده نقش فاتح را بازی کرد. آرزوهای آزاد پخواه می در دمان پشتون و بلوچ را در نیمه راه گذاشت.

بخری

## بنیاد آزادی

★ ★

به فریاد بر از دودی که اندوه هزاران نسل انسان بود پژواکش.

بیا گندم نگارستان تاریخ را، و بر سیلم:

تو ای، آزادی، ای خونین ترین گلوازه گمنامه انسان!

که در هر برگ این دفتر،

برای آنکه بندی نقش:

بریدی آدمی از هزاران در هزاران، سر،

دریدی تن،

ربودی جان.

...

بگو، بر من!

اگر خود سر خط تا ریخ انسانی،

بدین دشوار بنوشتن سزاواری و شایانی،

ولی باری.

ولی باری.

تو که تگوار، تگرا ری؟

تو که هر بار، بر گسیشت برگ دیگری، در این

کهن دفتر:

به دویا های خون تازه، نقش تازه میگیری،

بگو، آخر!

چه افسونی، چه معنایی، چه تعبیری؟

...

بر آشت و زبی صف بشت صف فوج شهیدان را ز جا انگیزت.

به تو فان غریوی جمله، پاسخ داد:

مرا جز خون مهادی نیست.

مرا جز خون مهادی نیست.

ولی بتوان،

ولی باید، مرا یکباره نوشتن،

بسی دیر نده تر از آهن و فولاد و سنگ خاره بنوشتن. مرا بیسوده اندر مشق های کودکان، با این مداد بسگران، تگوار میدارند،

که می: آزادی و آزادی و آزادی ...

مرا بنیاد می باید.

مرا بنیاد پولادین،

مرا بنیاد خاراین،

که آزادی برای چه؟

که آزادی برای کی؟

برای پر کشودن ها به سوی اوج آنچه کادمی را عشق و امید است.

برای خلق، کش آزاد گسی بر بندگی پایان جاوید است. <چهار سه>



دربار مردم از افغانستان مستقل در کنار امان الله غازی اولین سالگرد استرداد استقلال کشور را با دلپایه های زنده برپید، تحلیل می نماید. استقلال ما شرف ما است. یگانه این صحنه ما برای همیشه در دل ما و در زندگی ما زنده بماند. و لیس دشمنان ما امروز می خواهند آزاد دی مردم ما را که از برکت پیروزی انقلاب ملی و دموکراسی و آزادی و به خصوص مرحله نوین تکاملی آن بدست آمده است در زیر پاشنه های خشن خون آلود خود پا مال سازند. ما قاندهستیم با تکه نیروی شکست ناپذیر مردم تحت رهبری حزب شیپان و فرماندهان دشمن داخلی را در هم شکستیم. ما نمی توانیم تجربه تلخ شکست امان الله خان یکبار دیگر تکرار گردد. ارتجاع منطقه، هر مو نیست های بشیرم بکن و امپریالیزم روسی آمریکا نخواهند توانست استقلال و آزادی کشور ما را پامال نمایند. همه نیروهای انقلابی جهان و به خصوص اتحاد شوروی بزرگ در نبرد خشن مردم ما بظاهر دفاع از استقلال و حاکمیت ملی و نهایت ارضی کشور و دست آورد های انقلابی مردم ما بیا یاری رسانند.

## مرووری بر مبارزات ضد استعماری مردم ما

فصل مبارزات آزادی خواهانه و ضد استعماری مردم قهرمان کشور ما در تاریخ سالهای افغانستان جای ویژه ای دارد. روال مبارزات آزادی خواهانه مردم ما با عبور از رکود و سه جنگه خونین مشغول از کارنامه های دلاوری و قهرمانانه فراوانی است که هنوز حافظه تاریخ آن را از یاد نبرده است. استعمار آنها استعمار بریتانیا در اوایل سده بیست و یکم به آهنگ تجزیه افغانستان واحد و تقویت مرزهای امپراتوری مستعمراتی خود در نیم قاره راه کشور مارا با دشمنان عربی و خونین در پیش گرفت. تاریخ سده بیست و یکم استعماری در افغانستان انباشته از پیچیدگی ها، تنوع سیاست استعماری، تبدیل مداوم تاکتیک های تجاوز گرانده در جهت هدف استراتژیک واحد یعنی دوام اشغال افغانستان بر پای سیاست پیشروی در آسیای میانه بود. اما در جریان آن تسلط استعمار و کنش گسترده و عظیم مردم ما علیه اشغالگران استعمارگر بریتانیا در وجود مبارزان بیسم و دامنه دار میهن پرستان خاص این دوران منتهی باشد. در برسی مختصر از جریان مبارزات آزادی خواهانه ملی، روی چگونگی این مبارزات به خصوص مردم سه «جنگ معروف افغانستان

جنگ افغان و انگلیس مکتب می نمایم. انگلیس ها برای تحقیق رویای رسیدن به سواحل رود آمو در سال ۱۸۳۹ هجوم به افغانستان را آغاز نمودند. نخستین تهاجم مستقیم دولت بریتانیا از سال ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۲ دوام نمود. چگونگی مبارزات ضد استعماری و آزادی خواهانه مقاومت سرسختانه ملی و شکست فضیحت بار انگلیس از عناصرمهم تاریخی این دوران است. صرف نظر از مقاومت دلیران مردم ما در راه ندادن به پیشروی قشون اشغالگر که مقاومت با سواران دیوارهای غزنه نو نه آنست، نخستین شمله ملی قیام در دست از همان سال ۱۸۳۹ از قسمت های شرقی کشور آغاز گردید تا آنجا که موج فراپنده قیام های ملی در دسامبر ۱۸۴۱ به نخستین جنگ آزادی خواهانه و عادلانه ملی بریتانوی تبدیل گردید. مهم ترین نتیجه نخستین جنگ آزادی خواهانه شکست ماجرای کشمکش های افغانیستان به عبث برای خلع وی از سلطنت کوشش کرد. باید منتظر ماند و دید که آیا این جنگ نیز همان نتایج خارق العاده و غیرمنتظره را که جنگ قبلی به همراه آورده بود، خواهد داشت؟ سیاست استعماری انگلیس درین سالها به همه

ایجاد ریاکارانه و مزورانه آن هدف حفظ تسلط را در کشور مداوماً تعقیب مینمود. بالاخره استعمار انگلیس پس از سی و پنج سال که در مدار که گذشت بدوین توجه به عبث تر ازین مداخله در امور داخلی افغانستان آغاز نمود. میر غلام محمد غبار در ارتباط با دو مین جنگ استعمارگران در افغانستان می نویسد: «جنگ دوم انگلیس و افغان دنیا له همان جنگ اول انگلیس و افغان است که فقط بایک متار که سی و پنج سال از هم جدا می شود زیر علت جنگ (سیاست پیشروی استعمار انگلیس در آسیای وسطی) تغییر نکرد. بود». دو مین تجاوز مستقیم نظامی انگلیس به افغانستان از نوامبر ۱۸۷۸ تا اگست ۱۸۸۰ ادا مه یافت. این تجاوز به مقیاس جنگ اول انگلیس و افغان از سارو بزرگتر نظر می قوی به سود انگلیس بر خورد دارد. اما با آنهم مردم قهرمان افغانستان در جریان این تجاوز به مانند جنگ گذشته به مقاومت سرسختانه پرداخته و دلیرانه از سر زمین شان در برابر اشغالگران استعماری دفاع نمودند. به عبار دیگر یکی از شاخص های عمده این جنگ نیز سیاست استعماری بود که افغان ها

امیر دوست محمد را که خود موجب برکناری اش شده بود دوباره به اریکه سلطنت نشاند و او بود که در ۱۸۵۵ استقلال کشور ما را با معاهده پشاور فدا کرد. این سلسله درو جود امیر محمد یعقوب که معاهده گندمک را امضا نمود ادا مه یافت. انگلیس بعد از جنگ دوم عبدالحمید خان را وسیله قرار داد، معاهده دیورند را در ۱۸۹۳ با او عقد نمود. جریان وابستگی به استعمار در دوران امیر حبیب الله کماکان ادا مه یافت. تاریخ گویا می های دیگری نیز دارد. این شاهان و سرداران مترجع حاکم بوده اند که بر خلاف اراده مردم ما و بروی اجساد کشتگان راه آزادی، استقلال کشور را در معامله گشته اند. آری این گویا می های تاریخ اما با وجود حیل و گنه گون استعمار را خریداری می شدی نوکران و اجیران تا استفاده سوء از معتقدات مذهبی تایدنام سازی و حتی ترور شخصیت های ملی و ده ها شگرد دیگر، مردم ما به مردم ما، بدست از مبارزه نکشیدند تا آنکه این نبرد به تا مین استقلال سیاسی کشور منجر شد. و تاریخ باز هم گویا می دیگری نیز دارد. به گفته مشهور اگر استعمار را از دروازه



# امپریالیسم مداخله را تکرار می کند



درداربخ کشور ما نام الله باکلمه «غازی» پیوند سرشتی خورده است. امان الله غازی این سر دادلیر نبرد آزادی بخش مردم ما در بارگاه تاریخ ما جای شایسته ای دارد.

امان الله علی رغم اینکه زاده خانواده سلطنتی بود ببرد ها و غمهای مردم ما نزدیک شد. او توانست از توده های عظیم رنجیده مردم ما نمایندگی کند. امان الله این فرزند خلف جنبش مشروطیت و نهضت قهرمانانه آزادی خواهی، تابه آخر به آرمانهای اصلاح طلبانه خویش در جهت شکوفایی وطن وفادار باقی ماند.

تاریخ، یاد شا می چنین وطن پرست مغرور مردم و تر قیخواه را کمتری یاد دارد و در واقع تاریخ زندگی امان الله یکی از پدیده های نادر تاریخ است. همه نواصی واشتباها امان الله به جوجه مانع این نمی شود که مردم ما او را به مثابه قهرمان آزادی و دوست زحمتکشان بشناسند.

دورانی که امان الله غازی از سر می گذشتاند. از بعضی جهات باوضع کنونی کشور ما شباهت های موبائی دارد؟

دیروز همه نیرو های سیاه ارتجاعی تحت رهبری امپریالیزم کینه کسار انگلیس علیه اصلاحات دوره امانی می جنگیدند و امروز هم باز ماندگان همان نیروهای سیاه ارتجاعی باضافه گروهک های فاسد جدید اینبار تحت رهبری امپریالیزم شریر ایالات متحده امریکا علیه دست آورد های انقلابی کشور ما در کادر جنگ اعلام تا شده امپریالیستی با همان شیوه های کینه دیروزی بخصوص استفاده تا شروع از دین مقدس اسلام، می جنگند. دیروز نیرو های اصیل انقلابی جهان از امان الله غازی پشتیبانی می نمودند و امروز هم همه نیرو های اصیل انقلابی جهان فاطمانه در کنار مردم ما قرار دارند...

امپریالیزم بار دگر علیه آزادی و استقلال کشور ما، افغانستان قهرمان انقلابی دست باز یده است. همان گونه که نیم سده پیش از این در مقابله با نهضت امانی و تحولات اجتماعی آن دوران انجام داد.

مداخله استعماری در امور داخلی افغانستان نیم سده پیش از این به سقوط نهضت امانی و استقرار نیرو های سیاه و محافظه کار انجام مید و جریان گسترش نیرو سه های نوین اجتماعی راد رکشور سد نمود. زیرا استقلال افغانستان ضربه مرگباری را بر مواضع استعماری در خاور وارد نمود.

گوا هینامه تاریخ را بیا د می آوریم: امپریا لیسم بر تانوی درست پس از حصول استقلال سیاسی افغانستان از او اسط ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۰ محاصر اقتصاد افغانستان را با بستن گذرگاه های کوهستانی که به سوی هندوستان راه باز می نمود، آغاز نمود.

استعمارگران بر تانوی بدنبال این امر تلاش نمودند تا طرح کمک های نو استعماری را در ۱۹۲۰ بر کشور ما تحمیل نمایند که این تلاش نیز بی فواید ماند. بعد از آن جریان مداخلات استعماری در کشور تشدید یافت.

مداخله بشکل ساز ماند می به خواست استقلال سیاسی بشنده میگرد و دو می خواست استقلال سیاسی را با اصلاحات زاد یکل اجتماعی دنبال می نمود. در هندوستان هم دیگر پرو لتاریا تا حد مبارزه سیاسی آگاهانه توده هارشد کرده است که این امر ابعاد مبارزه ضد امپریالیسم انگلستان را دامنه و زرفش نیرو مند بخشید.

جنبش مشروطیت دز ترکیه (۱۹۰۸ - ۱۹۰۹) تحت رهبری حزب ترکیه جوان در اردو پیروز شد. این جنبش به خلع سلطان عبدالحمید و اعلام مشروطه در ترکیه انجام مید. ملل کشور های مستقل عربی در اوایل قرن بیستم در نقشه جهان دیده نمی شد سر زمین های عرب میان امپراتوری عثمانی و امپراتوری های مستعمراتی انگلستان و فرانسه تقسیم بود. ایتالیا در سال ۱۹۱۱ به مستعمرات ترکیه عثمانی حمله برد این جنگ به نفع ایتالیا ی فاتح پایا ن یافت که این جنگ کشتار گاه مکمل و متمم انسانی، کشت و کشتار اعز اب با کمک «جذید ترین» توبه ها، بود، پس از جنگ ایتالیا و ترکیه عثمانی نطفه های جنبش ضد استعماری در سراسر مناطق عربی اوج گرفت.

جنبش انقلابی ضد نظام قرون وسطایی در چین در سال ۱۹۰۸ گسترش دامنه داری یافت. در سال ۱۹۱۱ انقلاب بورژوازم و دموکراتیک در هندوستان به وقوع پیوست.

جنبش انقلابی در هندوستان به دارا ن متمم انگلیسی اتفاقا در اوقات اخیر موجب تشویش نا مطبوعی برای «آقای» خود شدند. جنبش ضد استعمار انگلستان که «تعدی و تاراج... اسلوب انگلیسی اداره انگلستان تا مید می شد» تمام هندوستان را فرا گرفت و دو گرایش عمده را در مبارزه عمومی ضد امپریالیستی زحمتکشان هند در جهت تسریع این پروسه بخشید. سرانجام روند مشحون از دشواری ها و فراز

توطئه های کودتا یی، انگیزش آشوب های ضد دولتی، فرستادن اجیران وابسته غرض ر هبری قیام های ضد دولتی، استفاده از نارضا یی های دهقانان ناشی از سیاست مالیاتی دولت و موارد همانند دیگر.

امپریالیزم در جهت مقابله با دولت نو بنیاد افغانستان که راه رشد مستقل ملی رادر پیش گرفته بود، مرکز رهبری کنندة جاسوسی را تحت نظر دگروال لارنسس مخبر معروف انگلیسی در هندوستان بوجود آورد.

لارنس یکی از اجرا کنندگان پلان استراتژی یکی رهبران سیاست خارجی بر تانوی بود. که به عقیده مورخین هدف این سیاست نه تنها توجیه حوادث افغانستان در مسیر دلخواه امپریا لیزم بوده بلکه استفاده از وضعیت موجود جهت متشنج ساختن وضع در حوالی مرز های جنوبی اتحاد شوروی نیز مشمول این سیاست بود.

تلاش های بریتانیا درین زمینه تنها در چارچوب فعالیت دگروال لارنس نه می گنجید بلکه فراتر از آن مطرح بود. چنانچه در اثنا نخستین حرکت برای اشغال کابل از طرف آشوبگران ضد دولتی در میان آنها نمایندگان بر تانوی وجود

داشت و بجه سقاء با «همیم فریس» نماینده بر تانوی تماس های شخصی داشت. این تماس ها ادامه آن روابطی بود که بجه سقاء در دوران اقامت در هند و سستان (۱۹۲۶) با استخبارات بر تانوی برقرار نموده بود.

امپریالیزم بریتانیا در جریان همین مداخله عریا ن و شرم آگین در امور داخلی ما با نقض قوانین بین المللی به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۲۸ با طیاره انگلیس شب نا مه های تهدید کننده نسبت به افغانستان را بر فراز شهر کابل پخش نمود.

امپریالیزم بریتانیا جهت نیل به اهداف شوم تجاوز کارانه خود مقدم بر همه در مجموعه تلاش های ضد افغانی سعی نمود تا با استفاده از روحانیون مر تجع و محافظه کار، شاه امان الله را لا مذهب و نهضت امانی را مخالف اسلام جلوه دهد. برای نیل به این هدف بود که بر تانوی حاجا سوس های انگلیسی را در لباس روحانی به کشور ما فرستادند تا از عقاید پان مذهبیه مردم ما علیه دولت امانی استفاده نمایند.

مجموعه این تلاش ها ی تجاوز کارانه، با استفاده از عقب ماندگی جامعه به سقوط دولت امانی و پایان تحولات اجتماعی آن دوران انجام مید.

عوامل فراوانی است که در چین تحت رهبری داکتر سن یات سن به پیروزی رسید و چهار صد میلیون آسیایی عقب مانده از خواب دیرین و برای سهم گیری در زندگی سیاسی برخاستند.

مبارزه زحمتکشان کوریا علیه اشغالگران جاپانی در سال ۱۹۰۵ که در نتیجه این جنگ کوریا به پروتکتورات «تحت الحما یه» جاپان تبدیل گردید، اوج گرفت، نخستین جرقه های این مبارزه در تاسیس سازمان روشنگرانه تبارز یافت. این سازمان در تحت تاثیر مستقیم تیوری و پراتیک انقلاب دموکراتیک روسیه برخی گرایشات مهم و خصوصیات دموکراتیک کسب نمود. در برنامه این سازمان استقلال ملی، رشد صنایع ملی، فرهنگ و تکامل زبان کوریا یی و پاک کردن آن از مشخصات چینی و معمول گردانیدن دستخط کوریایی بر جسته بود.

نهضت آزادی ملی ویتنام در برابر استعمارگران فرانسه در دهه اول قرن بیستم سراسر ویتنام را فرا گرفت. شعار اساسی این جنبش «سرنگون باد تسلط استعماری فرانسه» بود که این امر بیانگر بحران ژرف رژیم مستعمراتی در ویتنام بود.

برخلاف جنگ به نفع ایتالیا ی فاتح پایا ن یافت که این جنگ کشتار گاه مکمل و متمم انسانی، کشت و کشتار اعز اب با کمک «جذید ترین» توبه ها، بود، پس از جنگ ایتالیا و ترکیه عثمانی نطفه های جنبش ضد استعماری در سراسر مناطق عربی اوج گرفت.

جنبش انقلابی ضد نظام قرون وسطایی در چین در سال ۱۹۰۸ گسترش دامنه داری یافت. در سال ۱۹۱۱ انقلاب بورژوازم و دموکراتیک در هندوستان به وقوع پیوست.

نیم سده پیش از این امکانات پیروزی توطنه امپریالیستی علیه افغانستان آزاد و مستقل را فراهم نمود.

در زمره این عوامل میتوان از عقب ماندگی و حشنت اجتماعی، سطح نازل آگاهی توده ها، نفوذ و رسوخ قوی روحانیون مر تجع، در باریان وابسته، و خان های بزرگ در جامعه، عدم موجودیت پایگاه اجتماعی قوتمند دولت امانی، اشتباهات وعدم وحدت نیرو های رهبری کننده جامعه در تطبیق اصلاحات اجتماعی، عدم موجودیت طبقه کارگر و روشنفکران ملی به مثابه

نیروی اجتماعی توانا و به خصوص که هنوز دولت جوان شورا ها خود در معرض مداخلات امپریالیستی قرار داشت و توانایی کافی مانند امروز برای دفاع از جنبش های آزادی بخش ملی نداشت، یاد آوری کرد.

اما اینک نیم سده بعد، هنگامیکه کشور ما در سطح رشد پیشرفته تر اقتصادی اجتماعی به مقیاس آن دوران قرار دارد، هنگامیکه جنبش انقلابی در کشور از پایه های اجتماعی توانایی برخوردار است، هنگامیکه نیرو های زحمتکش جامعه در سطح بلند تر آگاهی اجتماعی قرار دارند و تحت رهبری پیش

روند انقلابی در افغانستان بر گشت ناپذیر است زیرا مردم با هاست و جهان مترقی بانیروی عظیمی در کنار انقلاب ما قرار دارد. و این نکته ایست که آغازگران مداخله تجاوز کارانه امپریالیستی در افغانستان باید آن را بدانند.

سوسیال دموکرات که موضع انترناسیونالیستی داشت و استقلال فوری اندونیزیا را تقاضا نمود، بزرگ است.

در بیداری سیاسی و ملی اندونیزیا طبقه کارگر نقش تعیینگر ایفا نمود. زیر این طبقه در همان آغاز به مثابه بخش تفکیک ناپذیر جنبش ملی ضد استعماری رشد و بر خاست کرد.

در آغاز قرن بیستم مرکز جنبش انقلابی بین المللی به روسیه انتقال نمود که رهبری آنرا طبقه کارگر مجرب و آبدیده روس تحت رهبری حزب بلشویک (کمونیست) و در راس آن لنین به عهده گرفت که نقش عظیمی در بیداری آسیا ایفا نمود. چنانکه رهبر نا بغه پرو لتاریای جهان در باره «بیداری آسیا» نگاشته است: «سرما یه داری جهانی و جنبش سال ۱۹۰۵ روسیه، آسیا را بیدار کرد. صد ها میلیون جمعیت جهان زده که در رکود قرون وسطایی به تو حش دچار شده بودند برای زندگانی نوین و برای مبارزه در راه حقوق بدوی انسانی، برای دموکراسی بیدار شدند.

کارگران کشور های مترقی جهان با علاقه و شور و شوق مرا قب این رشد بتوان جنبش آزادی بخش جهانی در تمام بخش های کره زمین و در تمام اشکال آن هستند. بورژوازی اروپا

آهنک سیاسی متشکل و یک پارچه عمل می نمایند. هنگامیکه اردوگاه صلح و سیو سیالیزم در راس اتحاد شوروی تکیه گاه توانای جنبش انقلابی خلق ها در مبارزه به خاطر تا میسن دگرگونی های اجتماعی، اقتصادی است و در مجموع هنگامیکه امروز جامعه ما دست خوش تغییرات بزرگی گردیده است، امپریالیست ها میخواهند درامه کهن مداخله را تکرار نمایند و در رویای آند تا آزادی و استقلال کشور ما را نند گذشته خفه نمایند.

اما دشمن به کور راه رفته است. امروز دیروز نیست و این را باید امپریالیست ها بیاد داشته باشند.

انقلاب ثور به ارا دة اکثریت مردم زحمتکش ما به پیروزی رسید. است، راه تکامل پیروز ماندانه خود را به برکت رهبری سالم حزب دموکراتیک خلق افغانستان، و به انکاء

پشتیبانی مردم از انقلاب ملی می نماید.

روند انقلابی در افغانستان بر گشت ناپذیر است زیرا مردم با هاست و جهان مترقی بانیروی عظیمی در کنار انقلاب ما قرار دارد. و این نکته ایست که آغازگران مداخله تجاوز کارانه امپریالیستی در افغانستان باید آن را بدانند.

## بیداری آسیا و قیام مسلحانه ملی ۱۹۱۹-افغانستان

قیام مسلحانه ملی ۱۹۱۹ افغانستان بی آمد قانونمند و ادا مه سنجه ترین سنن بر بار مبارزه تاریخی انقلابی زحمتکشان کشور ما علیه سطر: خونریز و سیه استعمار کلا سیک انگلستان کشور «متمدن» ایگه آفتاب در امپراتوری ننگین آن غروب نمی کرد و عرا به چرکین و خونین سلاطین سفاک و وابسته به امپراتوری استعماری انگلیس است.

دزین پروسه عظیم بر خاست های انقلابی ضد استعماری کشور ما جنبش مشروطیت نقش عظیمی ایفا کرد که یاد قهرمانان شهید این کار نامه سترگ انقلابی کشور جاودانه زند باد. جنبش مشروطیت در کشور ما «موج کو چک ولی تند بست از جریان عظیم بیداری آسیا» نقطه ایست از جنبش های ملی و آزاد یبخش آسیا و اخگر بست از مبارزه مردم ما بخاطر استقلال و آزادی وطن که از جانب دولت های وابسته به استعمار و امپریالیزم وحشیانه سرکوب گردید.

انقلاب دموکراتیک ۱۹۰۵ روسیه و بویژه پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در سر نو شت جنبش رها یی بخش ملی ضد استعماری کشور ما و تمام قاره آسیا اثر ژرف گذاشت و نیروی محرکه یرنوایی در جهت تسریع این پروسه بخشید. سرانجام روند مشحون از دشواری ها و فراز

که از نیروی جنبش کارگری ترسیده است خود را به آغوش ارتجاع، نظامیان، کشیشان و جهل پروران انداخت. اما پرو لتاریای ممالک اروپایی و دموکراسی جوان کشور های آسیایی که سرشار از قوای خود و اعتماد به توده های مردم است، جای این بورژوازی را که زنده و زنده می کند، می گیرد.

بیداری آسیا و آغاز مبارزه برای حکومت پرو لتاریای مترقی اروپا نشانه فصل نوین تاریخ جهانست که در ابتدای قرن بیستم گشوده شد.

انقلاب سترگ سوسیالیستی اکتوبر و تحولات پیروز مند ناشی از آن شرایط نوینی را بوجود آورد که در نتیجه آن جنبش های آزاد یبخش ملی کشور های مستعمر و نیمه مستعمر به مرحله نوینی، مرحله پیروزی قطعی بر استعمار و امپریالیزم گام نهادند.



## مقدس بزرگ



از خیابانی ساکت تاریخ ،  
بیرون میایم .  
و مهر های خونین  
نیز کجا  
بانگها  
و استاد سیس ها ،  
تاج گلزاره همام  
سرشار

از شکوه هزاران سال حضور  
در تاریخ .  
• • •

سفر  
در مدار زیستن و بودن .  
• • •

در زمزمه آب  
و در همه ی باد

آزاد و با حریت  
از شکفتن وسیع دشت  
میگذریم  
از تهنیت سنگی صخره ،

از ایستایی انبوه جنگل ،  
از تقاهم سیل و صاعقه  
از ایمان نرم ماسه ها  
از باور باریک کوی  
تا باور بلند کوه

و از یکی بود ، یکی نبود قصه ها ،  
میگذریم

و در همه چیز

حلول میکنیم .

میرویم ،

و در صوبت راه

از پای و پویه باز نمی مانیم .

چون چاده

که امتدادش در دل کوه ،

امتداد مانرا

بر سطر ضرورتی پاره های زندگی

میکنانیم .

میرویم

و مسیر مانرا

هیچ ابتدیی نقطه پایان نمی گذارد .

میرویم

اگر چه میدانیم دیرست مسلسلها

جای جبرچیرک ها

شبهای مسافرخانه های متروک را

فریاد مینهند .

و غوکان مفلوک

در برکه های شور خون

مژه آب را

از یاد برده اند .  
• • •

میرویم ،

- بی هیچ تردیدی .

و در عقب مان ،

بر بایی جاودانه ی باروها بلند باور

و ایمان .  
• • •

آه

ای آزادی !

- آزادی !

ای حریت !

ای ایمان راه !

ای مقدس بزرگ !

ای همیشه سبز سبز ،

در ذرات هستیم

بنام تست .

بنام هام مبین است

و بنام انسان این سرزمین

که سرشار از حضور کهن در تاریخ ،

تکرار میشویم ،

و نسل اندر نسل به میراث میرسیم .

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

• • •

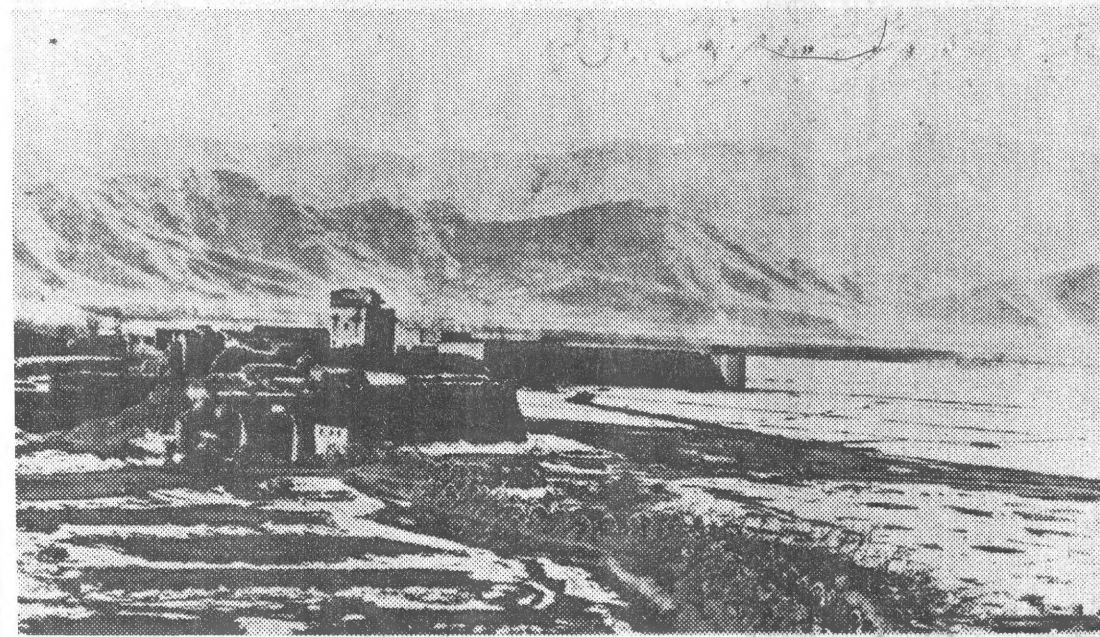
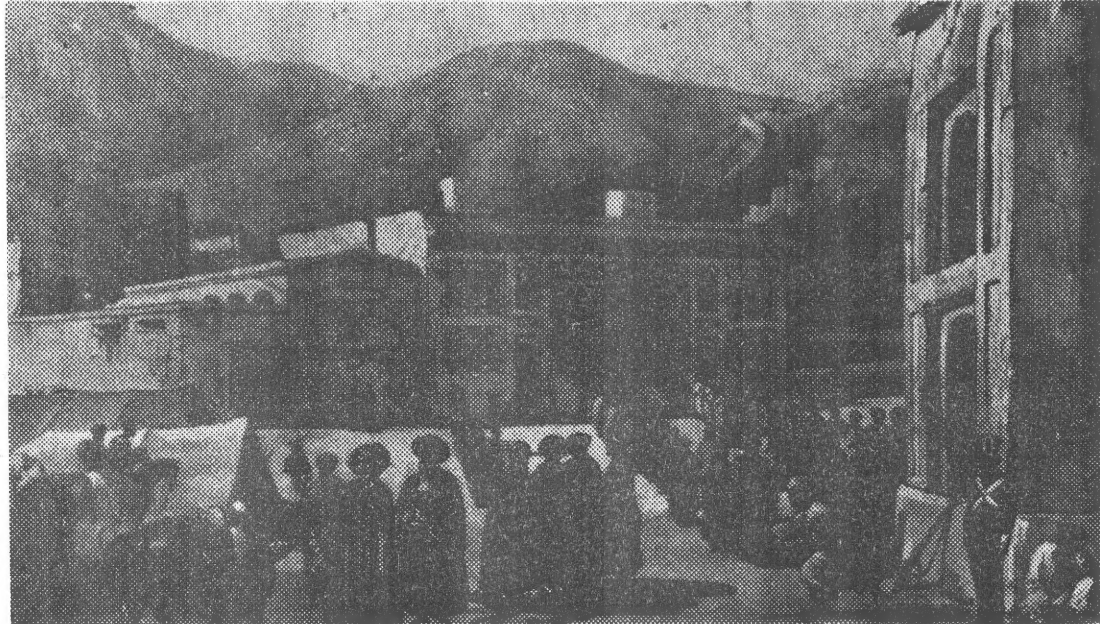
• • •

• • •

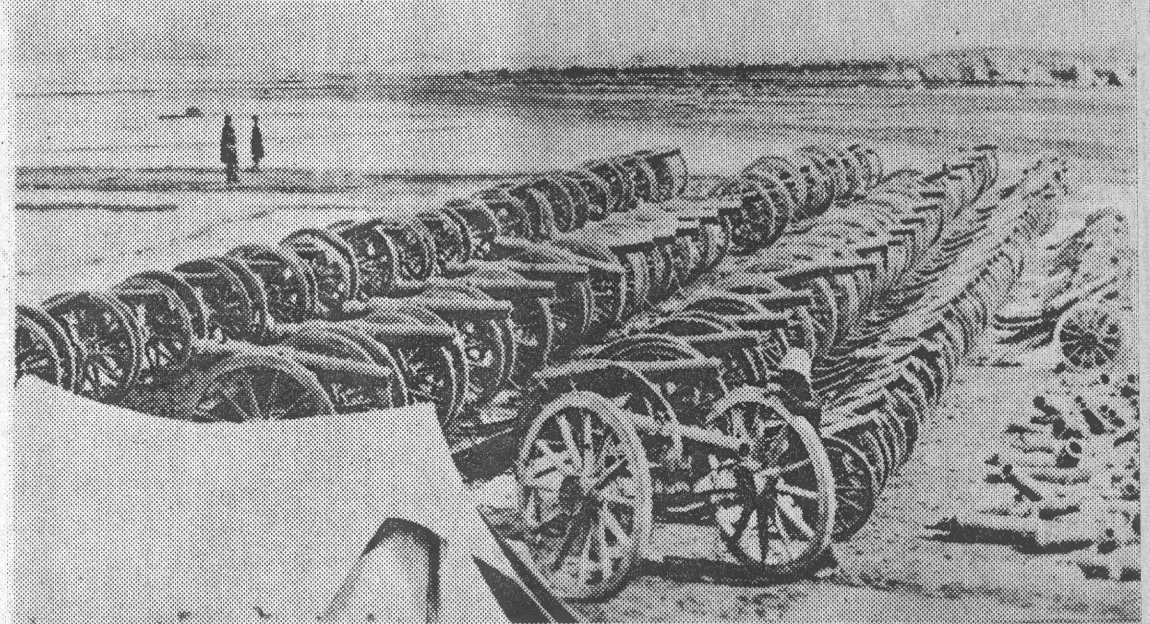
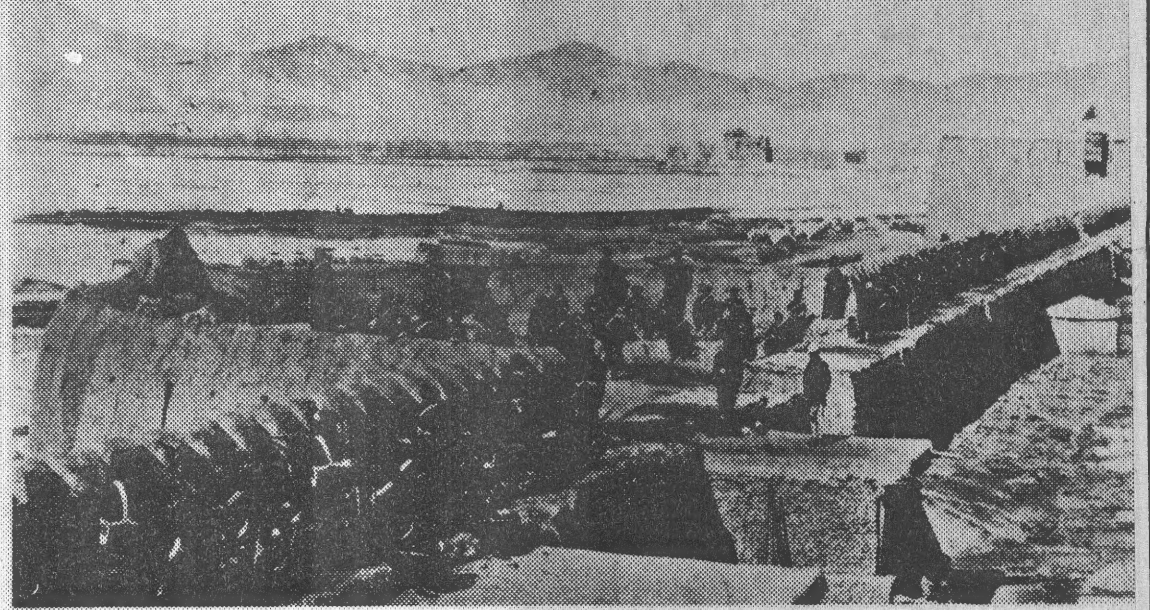
• • •

• • •

• • •



محمد نایب از روزگار نشو و نما آزادی پرست آید  
امروز زنده و زنده خلف انقلاب و طغیان را به دست گرفته  
دوران آزادی میسازد .



## ۲۸- اسد تاریخ استرداد استقلال وطن

انگريز يزي بود . شخصاً به دابيس تر جمه مينمود و بدین وسيله به دابيس که خود نیز پشتو می دانست ، رسماً احساسات بر گشت ناپذیر ملی مردم ما را در ضدیت با دشمن تاریخی شان انگر یز بیان می کرد .

پس از آن سالگرد جشن استقلال به همان تاریخ بیست و هشت اسد با مراسم پر شکوه در بغمان دایر می شد . غازی امان الله در حالیکه فامیل ها و فرزندان شهدا در لباس سیرخ به دو طرف او حاضر می بودند ، جشن را افتتاح مینمود و او لتر از همه به مادران سالگرد استقلال را تبریک می گفت .

پس از دوران اما نی که بریتانیا بفریق سانسله نادر در امور کشور ما دو باره دست دراز یافت ، و قیحا نه تلاش صورت گرفت تا روز استرداد استقلال و طن جعل گردد .

انقلاب ثور که بحیث نتیجه منطقی مبارزات طولانی مردم ما بر ضد ستم و بخاطر تامین عدالت اجتماعی به پیروزی رسید ، واقعیت و حیثیت تاریخی این یاد بود سترگ تاریخ پر افتخار مبارزات دلیرانه مردم ما را اعاده نمود .

انقلاب شکوهمند مردمی ما در سیرنگا ملی خود وارث و ادامه دهندگی پی پسندیده ترین سنن و افتخارات ملی و تاریخی ماست .

نوید .

جشن در کابل هفت روز و در ولایات یک روز دوام می یافت . پروگرام جشن وسیع و مردمی بود ، غازی امان الله جشن را با صحبت خود افتتاح مینمود و شخصاً در آن شرکت می جست . در طول هفت روز جشن یک نشریه بنام «هفته جشن» نشر می شد .

سالگرد اول و دوم جشن در کابل در چمن حضور ی دایر گردید . سالگرد دوم جشن (مصادف با سال ۱۹۲۱) سال امضای معاهده دوستی افغان - شوروی بود که به دستور غازی امان الله به تاریخ هفت نوا میر مطابق باتاریخ پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر برگزار گردید که

نشاندهنده صمیمیت پیوند های برادری بین افغانستان و اتحاد شوروی بود ، غازی امان الله بعد ها هنگام سفر به شوروی گفت : «من اتحاد شوروی را دوست دارم ، من از اول او را دوست خود یافته ام و من این پیوند را استوار خواهم داشت درین باید متیقن باشید و خود را مشوش نسازید . ایمن دوستی برای جانبین مفاد در بردارد .»

درین سال دابیس نماینده انگلیس در کابل نیز در جشن اشتراک داشت و غازی امان الله متن سرودی را که پشتون ها هنگام آتن ملی زمزمه میکردند و سرشار از نفرت علیه تجاوزکاران

سه جون ۱۹۱۹ رسماً جنگ را خاتمه بدهد و برای امضای قرارداد صلح آماده گردد .

قرارداد صلح که بتاریخ هشت اگست ۱۹۱۹ مطابق ۲۸ اسد ۱۲۹۸ در راولپندی به امضا رسید با وجودیکه بریتانیا کوشید موادی را به نفع خود در آن تحمیل نماید ، سند اعتراف ناگزیر و رسمی انگلیس به استقلال افغانستان و وثیقه پیروزی بر شکوه تاریخی مردم افغانستان بود . این قرارداد یک مرحله مبارزه در راه استقرار حاکمیت ملی کشور را تکمیل کرد .

شام بیست اگست ۱۹۱۹ امیر غازی امان در صحن مسجد عیدگاه ، در حضور نزدیک به ۵۰۰۰۰ نفر ضمن خطابه بی به همه اطلاع داد که «شما و کشورتان بعد ازین از نظر سیاسی کاملاً آزاد بوده ، حق دارید با هر ملتی که بخواهید مذاکره کنید .» بدین میمنت طاقی ظفر بغمان اعمار شد و تاریخ بیست و هشت اسد به منزله روز استرداد استقلال وطن باوضاحت در آن حک گردید .

و چنین بود که آزادی افغانستان به بهای قربانی ها و قهرمانی های بیدریغ مردم افغانستان به حصول آمد .

از آن پس هر سال به تاریخ بیست و هشت اسد جشن استقلال دایر میگردد

امان افغان و دولت شوراهای بطور واقعی هراس داشت بتاریخ سه می ۱۹۱۹ باقوت بزرگی یک جنگ کاملاً نابرابر تجاوزکارانه را بر افغانستان تحمیل نمود .

مردم افغانستان در پاسخ این تجاوز به سرعت و با شجاعت به قیام برخاستند دولت شوروی درین مبارزه دوست صادق مردم افغانستان بود .

قیام مسلحانه ۱۹۱۹ مردم افغانستان که باقیام تاریخی قبایل پشتون و تشدید وسیع مبارزات آزاد بخش در داخل هند بر تانوی همراه گردید ، رفته رفته دامنه وسیع تری یافت .

دولت بریتانیا زیر فشار مقاومت قهرمانانه مردم افغانستان ، قیام وسیع توده ی قبایل پشتون که پیوسته گسترش می یافت ، شکست عساکر بریتانیا در ساحه ترکستان شوروی و توسعه پر قوت مبارزات آزادی خواهی در هند و در تمام منطقه مجبور به عقب نشینی گردید و در نتیجه با وجودیکه

دولت افغانستان در جریان جنگ آزاد بخش بامشکلات ناشی از عقب ماندگی اقتصادی محدودیت منابع و فعالیت تخریب کارانه عوامل انگریز در داخل مواجه بود ، بر قدرت ترین دولت امپریالیستی زمان

یعنی بر تانیه مجبور شد در مقابل با افغانستان بتاریخ

«جوانان افغان» و امر «تا مین استقلال و پیشرفت وطن هم فکر بود در اولین نطق خود به تاریخ بیست و چهار فبروری ۱۹۱۹ از جمله «استقلال خارجی افغانستان» را مطرح ساخت و در ۲۸ فبروری ۱۹۱۹ مطابق ۹ حوت ۱۲۹۷ بطریق اعلامیه رسمی تصریح کرد که «پایستی دولت افغانستان مانند سایر قدرت های مستقل جهان در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد .»

چند روز بعد بتاریخ سه مارچ ۱۹۱۹ غازی امان الله تصمیم خود را دایر به تأمین استقلال افغانستان رسماً به لاردرجلسفورد نایب السلطنه هند بریتانوی اطلاع داد و با لغو معاهدات قبلی انعقاد معاهده جدید بر مبنای تساوی کامل حقوق رابادولت بریتانیا پیشنهاد کرد . معطلی قصدی انگریز در ندادن جواب مشخص ، افغانستان را از اقدامات مستقل در عرصه بین المللی مانع نتوانست

هویت دولت جوان افغانستان بطریق اعلامیه دولت و است شوراها در مورد بر سمیت شناختن استقلال افغانستان مورخ ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ بطور قاطع تأیید گردید .

بریتانیا که موجودیت افغانستان آزاد و مستقل ، حاکمیت استعماری آنرا در منطقه به مقیاس بسیار وسیعی متزلزل می ساخت . و بخصوص از تحکیم مناسبات دوستی و برادری بین دولت

۲۸ اسد ، روز استرداد استقلال افغانستان ، مانعند بسیاری از واقعیت های مسلم و پر افتخار تاریخ جامعه ما ، در دوران سلطه سلسله مزدور نازی به سود منافع ارتجاع داخلی و ارتجاع بین المللی ، قصداً به فراموشی سپرده شده ، جعل گردید .

با انقلاب راهی بخش ملی و دموکراتیک ما که در بیان ارمان ها و منافع مردم آزاد و مستقل افغانستان به پیروزی رسید ، شرایط برای روشن ساختن حقایق تاریخی کشور ما ، نقشی جنبش های ملی و مترقی در امر پیروزی های تاریخی مردم ما و سهم شخصیت های وطنپرست در مبارزه بخاطر منافع مردم ما ، مساعده گردید .

از جمله انقلاب ، جعلیات دو دمان نادر ی را در رابطه باتاریخ استرداد استقلال وطن قاطعانه افشا نمود و برای نخستین بار پس از دوران اما نی روز استقلال و طن بتاریخ واقعی آن برگزار گردید .

استقلال وطن ، بیا مد مستقیم مبارزات طولانی ضد استعماری مردم کشور بود که در قیام ۱۹۱۹ بر ضد انگریز ، دشمن ملی و تاریخی مردم افغانستان ، متبلور گردید .

امیر غازی امان الله که با جنبش ضد استعماری دوستی و برادری بین دولت

نیز به هیئت تحریر  
میرکب و محسور بایک  
تلفونی ۲۳۳۸۴

آدرس : رو بروی وزارت امور خارجه  
صندوق پستی : ۷۸۰  
حساب بانکی : ۱۰۸۱۹  
تلفونها :  
معاون : ۲۳۱۰۹  
سرگزشت : ۲۳۳۸۴-۲۲۶۰۵  
اداری : ۲۴۰۷۰  
شکایات : ۲۳۸۵۹  
صبح روزهای یکشنبه سه شنبه  
پنجشنبه نشر می شود  
قیمت دو افغانی  
چاپ و پب آفست مطبعه دولتی